The Culture of Islamic Architecture & Urbanism

Explaining the Model of Urban Management Based on Islamic Participation: Case Study of Zanjan City

Javad Rahmani
Ph.D. in Islamic Urbanism, Urbanism researcher, Zanjan, Iran.
(Received 1 Sep 2019, Accepted 11 Dec 2019)

In urban management context, the concept of participation is one of the most important and challenging topics in urban planning. Unfortunately, in our country, most urban management practices have been implemented from above and from outside, which now necessitates a move from bottom and interior to localize them. The main purpose of this study is to explain the urban management model based on Islamic participation in Zanjan. Adopting a logical reasoning approach from a realistic approach, this study uses a retrospective strategy. As regards research method, a combination of logical-analytical reasoning is used. According to Allameh Tabataba'i's theory, which is based on a realistic approach, the government belongs to the people and the people have the right to participate in social decision-making and to vote equally and have the right to monitor the government. Given the perspective of urban management and the role of citizens in urban management, as well as Allameh Tabatabai's view of Islamic government, one can see that citizens not only can play a role in city management but also can participate in management and governance. It is mandatory. In their view, this can be said to be based on the guardianship principle. Given the theoretical approach of research, i.e. Anthony Giddens' theory of construction, the preliminary model based on Islamic participation was offered in the four dimensions of the policy-making body, the decision-making body, the executive body, the control and oversight body. In addition, since data analysis is one of the most important steps in social research, especially in cases that data are collected from field research, the data from the questionnaires completed by the statistical population were summarized and the results were used in conclusions and evaluating the hypotheses. In this regard, after evaluating the model presented by citizens, experts and urban managers of Zanjan, the evaluation and monitoring body was added to the four previous bodies of urban management model. As to what is the optimal model and solution for participation in urban management (later selected urban management model) for Islamic-Iranian cities (case study of Zanjan), it was determined that according to Allameh Tabatabai's guardianship principle and opinions submitted by citizens, experts and urban managers, the structure of participation in Islamic urban management (Zanjan) will fall in five dimensions: policy-making body, decision-making body, executive body, control-monitoring body and evaluation and monitoring body.

Keyword: Islamic participation, Urban management, Guardianship, Islamic city, Zanjan.

* Corresponding author. E-mail: j.rahmani@tabriziau.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.1.23

سال پنجم، شماره اول- بهار و تابستان ۹۹

تبیین الگوی مدیریت شهری مبتنی بر مشارکت اسلامی (مورد مطالعه: شهر زنجان)

جواد رحمانی*

دکتری شهرسازی اسلامی، پژوهشگر شهرسازی، زنجان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۹)

چکیده

مفهوم مشارکت، در مدیریت شهری یکی از مباحث مهم و پر چالش در شهرسازی است. متأسفانه در کشور ما اکثر اقدامات مدیریت شهری، از بالا و از بیرون انجام‌شده که اکنون به حرکتی از پایین و از درون، برای بومی شدن آن‌ها نیاز است. در این پژوهش، هدف اصلی، تبیین الگوی مدیریت شهری مبتنی بر مشارکت اسلامی در شهر زنجان است. این پژوهش، با اتخاذ روش استدلال منطقی از رویکرد واقع‌گرایانه، از استراتژی پس‌کاوی استفاده می‌کند. مبنای این پژوهش، مبتنی بر اصل ولایت علامه طباطبائی است و روش تحقیق این پژوهش، به‌صورت تلفیقی (استدلال منطقی-تحلیلی) خواهد بود. با توجه به رویکرد نظری تحقیق که نظریهٔ ساخت‌یابی آنتونی گیدنز است؛ الگوی اولیهٔ مبتنی بر مشارکت اسلامی در چهار بُعد: بدنهٔ تصمیم‌گیری، بدنهٔ تصمیم‌سازی، بدنهٔ اجرایی، بدنهٔ کنترل و نظارت، مطرح شد. با توجه به اینکه عمل تجزیه تحلیل داده‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در تحقیقات اجتماعی، به‌ویژه در حوزهٔ داده‌های جمع‌آوری‌شده از میدان تحقیق، مطرح است، در مرحلهٔ بعد داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده توسط جامعهٔ آماری مورد جمع‌بندی قرار گرفت و نتایج آن درنتیجه‌گیری و ارزیابی فرضیه‌ها به کار گرفته شد. در همین راستا، پس از ارزیابی الگوی ارائه‌شده توسط شهروندان، متخصصان و مدیران شهری شهر زنجان، بدنهٔ ارزیابی و پایش نیز به چهار بدنهٔ قبلی الگوی مدیریت شهری اضافه شد. سرانجام، الگوی نهایی مدیریت شهری مبتنی بر مشارکت اسلامی در شهر زنجان در پنج بُعد: بدنه تصمیم‌گیری، بدنه تصمیم‌سازی، بدنه اجرایی، بدنه کنترل-نظارت و بدنه ارزیابی و پایش تبیین شد.

واژگان کلیدی

مشارکت اسلامی، مدیریت شهری، ولایت، شهر اسلامی، زنجان.

* نویسندهٔ مسئول مکاتبات: j.rahmani@tabriziau.ac.ir

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

مقدمه

مورگان می‌نویسد: درحالی‌که در سال ۱۹۵۰ میلادی تقریباً ۲۸ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند و در حال حاضر(۲۰۰۳ میلادی)، این نرخ، به بیش از ۵۰ درصد رسیده است اما جهان همچنان با روند رو به رشد شهرنشینی روبرو است؛ به‌گونه‌ای که پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۲۰ میلادی بیش از ٦٦ درصد جمعیت جهان، در شهرها زندگی کنند (Morgan 2003, 7). مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است که هدف آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGO) برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آن‌ها با نتایج بهینه است. اندیشهٔ اولیه کارآمدی مدیریت شهری در مؤلفه هایی چون در خدمت گرفتن سرمایهٔ بیشتر، صنعتی شدن، نیروی کار بیشتر و به طورکلی در رشد کمّی دیده می‌شد. ولی تجربه‌های جهانی به‌خصوص مطالعات بانک جهانی نشان داده است که این رویکردها نتوانسته بهبود فضای زیست، به‌خصوص در کلان‌شهرها را در پی داشته باشد و هرروز موانع زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی و به‌طورکلی فضایی این رویکردها نمایان‌تر می‌شود. نهایت این روند تحول، به دیدگاه و تئوری‌های توسعهٔ پایدار، شهر انسان‌گرا و حکمرانی خوب شهری (اداره مردمی شهرها) ختم شده است که امید می‌رود رهیافت‌ها و رویکردهای نوین مذکور، به ویژه حکمرانی خوب شهری به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوهٔ اعمال مدیریت نظام پیچیده و چند سطحی امروزهٔ مدیریت شهرها را بهبود بخشد (Torabi 2004, 5). در ایران، علی‌رغم سابقهٔ طولانی نهادهای مدیریت شهری ازجمله بلدیه، هنوز شاهد تفرق مدیریت و تقسیم وظایف شهرداری‌ها در بین نهادهای متعدد دخیل در امر مدیریت شهری در کشور هستیم. این در حالی است که طی سده اخیر حرکت های مهمی مانند اولین قانون شهرداری در بیش از یک‌صد سال قبل و قانون مصوب ۱۳۳٤ شهرداری از شش دهه قبل انجام‌شده است (Hosseini et al. 2011, 27).

موضوع مشارکت امروزه از موضوعات بسیار پراهمیت در توسعه و تحول رو به رشد است. بیان ضرورت‌ها، سیاست‌ها و روش‌های فراهم کردن موجبات مشارکت مردم در تغییر و تحول جوامع، راهگشایی بسیار اساسی و مؤثر، جهت ایفای وظایف کلیهٔ صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و مجریان خواهد بود (Alafian 1999, 189). از سوی دیگر، بررسی اصول قانون اساسی نشان می‌دهد که ظرفیت‌ها و آرمان‌های مهمی در زمینهٔ امور محلی و اهمیت مشارکت مردم در ادارهٔ امور کشور در قالب شوراها بیان‌شده است. باوجود آرمان‌های مترقی قانون اساسی در زمینهٔ تعریف مشارکت مردم در ادارهٔ امور خود، نحوهٔ ادارهٔ امور کشور به شکل متمرکز است و به‌تبع آن، تمامی امور اجرایی کشور به‌استثنای وظایف محدودی که به شهرداری‌ها واگذارشده است، از طریق قوهٔ مجریه با اختیارات و پاسخگویی متمرکز انجام می‌شود؛ بنابراین، با توجه به تجارب علمی و تطبیقی در مدیریت شهری و چالش های موجود در ادارهٔ شهرهای کشور و روزآمد نبودن قانون شهرداری، ضرورت و لزوم بازنگری در آن و تدوین قانون به‌روز مدیریت شهری کشور، از اهمیت بسیاری برخوردار است. همهٔ این مباحث، ناشی از ضرورت جهت‌دهی ادارهٔ امور عمومی به سمت عدم تمرکز است (Akhoundy et al. 2008, 135).

مشارکت در تصمیم گیری‌های عمومی که منافع فردی و جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یک عنصر اساسی شهروندی دموکراتیک است. مشارکت شهروندان می‌تواند، تصمیمات را آگاه‌تر و مشروع‌تر سازد. علاوه بر این مشارکت‌کنندگان می‌توانند منافع اساسی مانند مهارت‌های کسب، دانش، سرمایهٔ اجتماعی و قدرت را به دست آورند. مشارکت شهروندان یکی از هسته‌های اصلی دموکراسی است. دموکراسی به معنای افزایش مشارکت شهروندان در امور عمومی است. درواقع، مشارکت شهروندان نقش مهمی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

را در ایجاد جوامع سالم با ایجاد حوزهٔ قدرت بیشتر ایفا می‌کند (Howell 2015, 625).

مدیریت شهری در ایران، در رابطهٔ متقابل و ارگانیک با برنامه‌ریزی شهری نیست. اکثر اقدامات مدیریت شهری و قریب به‌اتفاق برنامه‌ریزی شهری در دههٔ گذشته، از بالا و از بیرون برای اجتماعات شهری انجام‌شده است که اکنون به حرکتی از پایین و از درون، برای خودی و بومی شدن آن ها نیاز است (Sarafi 2000, 75).

در این تحقیق، اصلی‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود این است که الگوی مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت شهری از منظر اندیشهٔ اسلامی چیست؟ در فرهنگ اسلام مشورت و مشارکت جایگاهی بس رفیع دارد. در نظام اسلامی مشارکت مردم یکی از ارکان بقای آن نظام محسوب می‌شود و بزرگ‌ترین پشتوانه به‌حساب می‌آید. در قرآن کریم، موضوع شور و مشورت درآیات متعددی آمده است (Tabatabaii 1992, 99). به‌همین‌منظور و باتوجه به نقش و جایگاه مردم در مدیریت شهری، الزام تغییر و اصلاح سیستم مدیریت شهری با تأکید بر نقش و جایگاه مردم کاملاً مشخص است. همچنین با توجه به مبانی و چارچوب های اسلامی موجود در کشور ایران، به نظر می رسد می توان با بهره گیری از مبانی اسلامی به تبیین الگوی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی پرداخت.

۱. مدیریت شهری و مشارکت در مدیریت شهری

شالودهٔ مدیریت شهری عبارت است از بر عهده گرفتن نقش فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعهٔ شهری (Saeadi 2009, 132). مدیریت شهری صرفاً مدیریت مشکلات شهر را بر عهده ندارد، بلکه فراتر از این موضوع، راهبری شهر را به‌سوی توسعه‌ای همه‌جانبه و پایدار، بر عهده دارد (Parhizkar & FiroozBakht 2011, 44). مدیریت شهری، ابزاری است که به وسیلهٔ آن حکومت می‌تواند توسعهٔ مشارکتی و پایدار را به وجود آورد (Saeadi Rezvani 1993, 4). درواقع منظور از مدیریت شهری بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعهٔ شهری است (Saeadi 2009, 707).

اگرچه امروزه روش‌ها و الگوهای شناخته‌شده و علمی برای ادارهٔ امور شهرها وجود دارد و می‌تواند در مدیریت شهری شهرها مورداستفاده قرار گیرد، اما شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی کشورها، موانع زیادی را در راه کاربرد این روش‌ها ایجاد می‌کند (Nazarian and Rahimi 2012, 112). ازآنجاکه مشارکت شهروندان از ضرورت‌ها و الزامات توسعهٔ پایدار شهری است، توسعه‌ای که بتواند نیازهای نسل امروز را بدون به مخاطره انداختن نیازهای نسل آینده تأمین کند، بدون مشارکت شهروندان، توسعهٔ پایدار شهری بی‌نتیجه می‌ماند (Cozens 2002, 130).

مشارکت، شهروندان را مسئولیت‌پذیر بار می‌آورد و به فرآیندهای تصمیم‌گیری، مشروعیت می‌بخشد؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان سبب می‌شود مسئولان امر، به راحتی برنامه‌های خود را عملی کنند (Brown and Harris 2005, 97).

واژهٔ مشارکت (participation)، از حیث لغوی، به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص است. در مورد و معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است ولی درمجموع می‌توان جوهرهٔ اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (Mousavi 1996, 85). شهروندی ایده‌ای است که در اروپای غربی و در قرن شانزدهم میلادی و هم‌زمان با فراگیر شدنش انتشاریافته و زاده‌شده است. این موضوع یکی از فرایندهای جامعهٔ مدرن است و در عرف جامعه شناسی دارای مرزهای تعریفی خاص و عموماً برخاسته از نگرش عقلانی نسبت به قانون و حقوق افراد در جامعه است (Abbasi 2008, 457). حق به شهر یکی از شناخته‌شده‌ترین مفاهیم مطرح‌شده در زمینهٔ حقوق شهروندی است که توسط لوفول در کتابی به همین عنوان مطرح شده است. هاروی مفهوم حق به شهر را این گونه توضیح می‌دهد: «این حق بیش از آن که فردی باشد، اشتراکی است، چراکه این تغییرات نیازمند یک قدرت جمعی برای بازشکل‌دهی به فرآیندهای شهری است. آزادی و بازسازی شهر و خودمان، به نظر من یکی از ارزشمندترین حقوق بشری است که بسیار

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

مورد بی‌اعتنایی قرارگرفته است» (Harvey 2008, 23). لوفور برای تعریف تعلق به یک اجتماع سیاسی از شهروند رسمی استفاده نمی‌کند، بلکه از یک مفهوم هنجاری تحت عنوان سکونت استفاده می‌کند. افرادی که در شهر زندگی می‌کنند نسبت به آن حق دارند. حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد؛ چه شهروند رسمی باشد و چه غریبه (Fenster, 2005). درحالی‌که اهمیت مشارکت شهروندان در حکومت‌های محلی را نمی‌توان دست‌کم گرفت، اما تعدادی از مشکلات مربوط به مشارکت افراد وجود دارد: عدم درک چرایی درگیر شدن برخی از افراد در فعالیت های جامعه؛ عدم فعالیت؛ تمرکز اصلی بر روی جمعیت و منابع فردی و نه در عمق دخالت؛ افزایش تعداد گروه های اجتماعی سازمان دهی شده مردمی که تأثیر قابل توجهی دارند؛ نرخ پایین مشارکت شهروندان در اداره امور جامعه، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه (Veronica G. Caparas and Agrawal 2016, 1).

باوجود اهمیت و ضرورت فاکتور مشارکت اجتماعی شهروندان در توسعهٔ شهرها و درحالی‌که یکی از نیازهای اصلی کشورمان در جهت توسعهٔ همه جانبه و بسط ایدهٔ دموکراسی، توجه به مفهوم مشارکت اجتماعی است (Ghadiri 2011, 5)، این مسئله در ایران سابقهٔ چندانی ندارد، به‌طوری‌که نقش مشارکت مردم در ادارهٔ امور شهر بسیار کمرنگ و ضعیف است (Mohseni 2004, 85). در رابطه با حقوق شهروندی و نحوهٔ مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، نظریات متعددی در جهان امروز مطرح‌شده است. یکی از نظریات پایه‌ای که در قرن بیستم میلادی، در رابطه حقوق شهروندی مطرح‌شده، نظریهٔ مارشال است. از دیدگاه مارشال شهروندی مدرن، از سه نوع حقوق اساسی تشکیل می‌شود: حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی (Behroozlak 2007, 264-269). نخستین انتقاد به نظریه، این است که موفق به ارائهٔ تجزیه‌وتحلیل منسجم و سازگار از مکانیسم‌های علّی که وسعت شهروندی را بیان کند، نشد. انتقاد عمدهٔ دوم به نظریهٔ مارشال آن است که شهروندی به‌عنوان یک مفهوم یکنواخت و منسجم درمان می‌شود. ضعف عمدهٔ مهم سوم در نظریهٔ مارشال، عدم وجود هرگونه درک از اختلافات قومی و نژادی در رابطه با تابعیت ملی بود. درنهایت، رویکرد مارشال به‌عنوان یک نظریهٔ استحقاقی، تنها، در مورد وظایف و تعهدات است (Turner 2009, 69-70). بسیاری از جامعه‌شناسان این نتیجه رسیده اند که این مدل شهروندی مارشال در حال حاضر از کار، برکنار شده است (Turner 2009, 71). نمایش مارشال از ارائه حقوق اجتماعی با دسته‌بندی که از شهروندی داشت درواقع، خارج از نیازهای اجتماعی و تحلیل روند جمعیت بود (Revi 2014, 461).

۲. مشارکت شهروندان در جامعه، از دیدگاه اسلام

قرآن، سنت و حدیث منبع و سرچشمه‌های توأمان فرهنگ اسلامی هستند. همه مسلمانان به این دو منبع لایزال ایمان‌دارند و این تعالیم را مطابق مشیت خداوند بر اوضاع‌واحوال خاصی که برایشان پیش می‌آید، اطلاق و اعمال می کنند. با توجه به دیدگاه متفاوت در ارتباط با جامعه‌شناسی اسلامی، جامعه‌شناسی واقع‌گرایانه (جامعه از نگاه علامه طباطبائی) به‌عنوان مبنای جامعه شناسی این پژوهش در نظر گرفته شده است. در احادیث و روایات نیز در باب مشورت و مشارکت، مطالب مهمی وجود دارد. به عنوان مثال، رسول اکرم (ص) در این‌باره می‌فرماید: هیچ‌کس از مشورت بی‌نیاز نیست (Nahj-al feṣāḥa 1947, 497).

در رویکرد رئالیسم تعاملی، خلیفه و خلافت از ریشهٔ «خلف» به معنای پشت سر، گرفته‌شده است و اصطلاحاً به معنای جانشین و جانشینی است (Firoozi 2014, 64). انسان خلیفهٔ خدا در روی زمین است و حق‌تعالی ادارهٔ ملک خود را به انسان سپرده است (Shajari 2009, 353). آنچه این خلافت را محقق می‌کند، ارادهٔ آزاد انسانی و افعال برخاسته از ارادهٔ آزاد انسان است که او را در جایگاه رفیع قرب خدا و یا هم‌نشینی شیاطین می‌نشاند (Firoozi 2014, 73). علامه طباطبائی دراین باره می‌گوید: خلیفه بودن مردم در زمین به این معنا است که هر لاحقی از ایشان جانشین سابق شود و سلطه و توانایی بر دخل و تصرف و انتفاع از زمین داشته باشد (Tabatabaii 1967, 52). برخلاف دیدگاه اومانیست‌ها، مبنای کرامت ذاتی انسان در اسلام، وجود منتسب به آفریدگار عالم است. این مبنا در زندگی مبتنی بر اختیار، تقوا محسوب می‌شود (Firoozi 2014, 111). آقا محمدرضا

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

قمشه ای بیان می‌کند که ولایت به معنای قرب است، و بر دو گونه است: ولایت عامه و ولایت خاصه. تمام مؤمنان دارای ولایت عامه هستند (Shajari 2009, 368).

علامه طباطبایی در جلد چهارم تفسیر المیزان بیان می‌کند که: در اسلام، امور عامه به حاکم و متصدی حکومت سپرده‌شده است تا در مواردِ داخلی و خارجی جامعه، با مراعات صلاح جامعه و بعد از مشورت با مسلمانان، در مورد آنان تصمیم‌گیری کند (Tabatabaii No date, 120-121).

مردم، مسئول زنده نگه داشتن حکومت، احکام و قوانین ثابت و متغیر شریعت هستند و این، با مشارکت در ادارهٔ کشور محقق می‌شود (Tabatabaii No date No 4, 124). علامه، با اشاره به آیهٔ «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف» (توبه / ۷۱) تأکید می کند که مؤمنان نسبت به دیگران دارای حق ولایت و سرپرستی هستند و آن، در تمامی ابعاد اجتماع جاری است (Tabatabaii No date No 9, 338). پس مؤمنان نمی‌توانند نسبت به آیندهٔ جامعهٔ خویش بی‌تفاوت باشند. آیت‌الله مجتبی تهرانی دربارهٔ این آیه می‌فرماید: هر مؤمنی نسبت به مؤمن دیگر، اعم از مرد و زن، سِمَت سرپرستی پیدا می‌کند. ولی، هم به معنی سرپرست و هم به معنای دوست است. دوستی سبب جعل ولایت است. مقتضای این دوستی نظارت و مراقبت است (Mojtahedi Tehrani 2008, 62).

با توجه به مطالب بیان شده از دیدگاه علامه طباطبایی، حکومت از آنِ مردم است و مردم حق مشارکت در تصمیم گیری های اجتماعی و رأی برابر و حق نظارت بر حکومت را دارند. با در نظر گرفتن دیدگاه مدیریت شهری و نقش شهروندان در مدیریت شهری و همچنین دیدگاه علامه طباطبایی دربارهٔ حکومت اسلامی می‌توان به این نکته پی برد که نه تنها شهروندان می‌توانند در مدیریت شهر نقش داشته باشند، بلکه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت و حکومت امری اجباری است و حکومت و مدیریتی را که مردم در آن نقش نداشته باشند، دیکتاتوری می‌نامند. با عنایت به موارد ذکرشده، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه علامه طباطبایی، مشارکت شهروندان در مدیریت شهر، امری اجتناب‌ناپذیر است و مدیر شهر نمی‌تواند بدون مشورت گرفتن از گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ که اصلی‌ترین آن‌ها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرا کند و حتی خود، بر کار خودش نظارت داشته باشد. درواقع حق و وظیفهٔ مردم به شهر و مدیریت شهری خویش همانند امربه‌معروف و نهی از منکر است (Pirbabaei and Rahmani 2016, 328).

۳. رویکرد نظری پژوهش

آنتونی گیدنز جامعه‌شناس بزرگ معاصر ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت به کارگیری نظریه در جامعه شناسی ضمن تأیید وجود تفاوت و اختلاف‌نظر در رویکردها می‌نویسد: «در جامعه شناسی هرگز قواعدی وجود نداشته است که مفاهیم و اندیشه هایی را در بربگیرد که همه آن را معتبر بدانند» (Giddens 2006, 10). این نظریه، در پی تلفیق «ساخت» و «عامل» و ارائهٔ مفهوم قانع‌کننده‌تری در باب درک پدیده های جهان اجتماعی است. گیدنز، قواعد و منابع را که به‌منزلهٔ خواص نظام‌ها سازمان‌یافته‌اند ساخت تلقی کرده و معتقد است روابط بازتولید شدهٔ کنشگران که به منزلهٔ اعمال متداول سامان‌یافته هستند، توسط نظام، بسط می یابند. گیدنز، مفهوم ساخت‌یابی را متضمن دووجهی بودن ساختار دانسته است و آن را در اساس، به خصلت بازگشتی بودن زندگی اجتماعی مربوط می‌داند (Parker 2007, 870).

نکته ای که در این بخش حائز اهمیت است، این نکته است که دیدگاه علامه طباطبائی و گیدنز دارای تشابهاتی است که در راستای رسیدن به اهداف این پژوهش، می‌تواند مثمر ثمر واقع شود. در نظریهٔ اعتباریات علامه طباطبایی، ساخت و عامل باهم معنا پیدا می کنند. این موضوع، در ظاهر، مهم ترین وجه تشابه دو نظریهٔ اعتباریات و ساخت‌یابی است که ساخت را بدون عامل نمی‌توان تبیین کرد (Hasani and Mousavi 2012, 153).

ازاین رو تحقیق حاضر نیز که به تبیین الگوی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی خواهد پرداخت، با در نظر گرفتن شرایط مشارکت مردم در مدیریت شهری ایران، نظریهٔ «ساخت‌یابی»[۴] آنتونی گیدنز را محور و چارچوب پیشبرد خود جهت آزمون فرضیه ها و نیل به اهداف تعیین شده قرار

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

داده است؛ شهروندان به‌عنوان عاملان و پدیدآورندگان جایگاه مشارکت، تحت تأثیر چنین ساخت هایی و با تکیه بر قواعد و منابع و میزان توانمندی خویش، از میان امکانات گسترده‌ای که شرایط یادشده پیش روی آن‌ها قرار داده‌اند، دست به‌گزینش و اعمال عاملیت می‌زنند (Giddens 2005, 77). این دیدگاه بر آن است که در عین فقدان اصالت دادن به هرکدام از دو نگرش فوق، نقاط مرتبط و سازگار این دو را آشکار و آن ها را در روابط مکمل و تعاملی با یکدیگر ببینند. این رویکرد، توجه به آزادی و احترام به عاملان و قدرت تصمیم‌گیری و کنش‌مندی آنان را در تعامل با ساخت‌ها موردتوجه قرار می‌دهد. از این دیدگاه با عنوان «ساخت‌یابی» یا «ساختاربندی» در علوم اجتماعی یادشده است.

٤. ارائهٔ الگوی مدیریت شهری مبتنی بر نظریهٔ چارچوب نظری

با تفسیر نظریهٔ اعتباریات و امتداد این نظریه در علوم اجتماعی، شباهت های فراوانی میان نظریهٔ اعتباریات علامه طباطبایی و نظریه ساخت‌یابی گیدنز ملاحظه می‌شود، به‌نحوی‌که چرخش معنایی ساخت، در ادبیات گیدنز را می توان بسان گامی از سوی وی برای نزدیک کردن مباحث علوم اجتماعی به ادبیات فلسفهٔ اسلامی دانست (Hasani and Mousavi 2012, 157). جهت تغییر و اصلاح نظام اجتماعی و سیستم مشارکت شهروندان در مدیریت شهری باید به دنبال دو مفهوم قواعد – منابع- و عاملیت بود. با توجه به هم‌خوانی موجود در بین مفهوم اعتباریات علامه و قواعد و منابع گیدنز، نظریات استخراج از اعتباریات علامه طباطبائی در بخش قواعد و منابع مورداستفاده قرار خواهند گرفت. همچنین، اگر شهروندان بخواهند معیارهای شهر اسلامی را در شهر جاری سازند، باید عاملیت داشته باشند، این عاملیت نیز توسط علامه در بخش‌های مختلفی همچون کرامت و خلافت انسان مورد تأکید قرار داده شده است.

با توجه به مباحث مطرح‌شده در بخش‌های قبلی، علامه طباطبائی با ارائهٔ نظریهٔ اصل ولایت، نحوهٔ مشارکت مردم را در امور شهر و جامعه مشخص کرده است. با توجه به مبانی نظری مطرح شده و اینکه پایه و اساس نظری این تحقیق، دیدگاه علامه طباطبائی در ارتباط با مشارکت مردم است، الگو و مدل مبتنی بر بهره‌گیری از تجارب جهانی و ایرانی و شرایط کشور ایران بر اساس و پایهٔ نظریهٔ ولایت علامه طباطبائی ارائه شد.

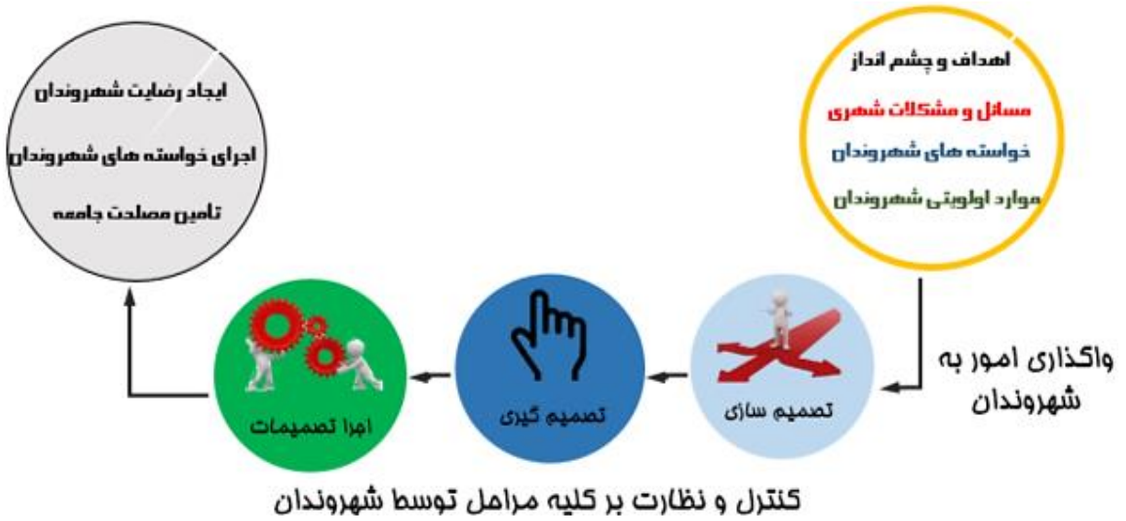
در جدول زیر، نحوهٔ تشکیل ساختار مشارکت اسلامی شهری مطابق دیدگاه علامه طباطبائی بیان‌شده است:

جدول ۱: ساختار مشارکت اسلامی شهری مطابق دیدگاه علامه طباطبائی و آنتونی گیدنز

Table 1: Structure of Urban Islamic Participation According to Allameh Tabataba'i and Anthony Giddens' Viewpoint

بنیان نظری	ساخت‌یابی گیدنز		دیدگاه علامه طباطبائی	اصول مشارکت در مدیریت شهری اسلامی	نحوهٔ مشارکت حداکثری شهروندان	ابعاد مدل مدیریت شهری
اصل ولایت علامه طباطبائی	عاملیت	ایجاد بستر مناسب جهت تقویت عاملیت در ادارهٔ امور شهر	ادارهٔ امور حکومتی و ادارهٔ جامعه، با مشاوره و شُور با مردم است.	مشارکت حداکثری مردم در ادارهٔ امور شهر	تصمیم‌گیری دربارهٔ امور شهر توسط شهروندان	بدنهٔ تصمیم‌گیری
	ساختار (قواعد)	ظرفیت‌سازی و توانمندی مردم (عامل) توسط قوانین مدیریتی	وظیفهٔ حکومت، رعایت مصلحت جامعه در مدیریت داخلی و خارجی جامعه است.	جمع‌بندی و تدقیق خواسته‌های مردم توسط منتخبین مردم	ایجاد شورا جهت تدقیق خواسته‌های شهروندان	بدنهٔ تصمیم‌سازی
	ساختار (منابع)	الزام منابع کافی جهت اجرای تصمیم‌های بخش عاملیت	الزام انجام امور جامعه جهت آسایش و سعادت مردم توسط منتخبین مردم	وجود نهادی جهت اجرای امور شهری	وجود نهاد مدیریت شهری (شهرداری) منتخب مردم	بدنهٔ اجرایی
	ترکیب عاملیت و ساختار	وجود قوانین و نهادهای مدیریتی در جهت بسترسازی عاملیت	مردم در حق حکومت و اظهارنظر یکسان هستند و حق نظارت بر ادارهٔ جامعه را دارند.	نظارت مردم و شهروندان بر اجرای امور شهر و جامعه	نظارت مستمر بر عملکرد بدنه تصمیم‌سازی و بدنه اجرایی	بدنهٔ کنترل و نظارت

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]



تصویر ۱: ساختار و الگوی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی مفهومی و اولیه

Fig.1: Structure and Pattern of Participation in Conceptual and Early Islamic Urban Management

در تصویر شمارهٔ ۱، زیر ساختار مدل مشارکت در مدیریت شهری اسلامی آمده است. نکتهٔ قابل‌توجه در این امر، تأکید ویژه بر جایگاه کنترل و نظارت بر سیستم است که با توجه به سابقهٔ تاریخی، امری ضروری به نظر می‌رسد:

۵. روش پژوهش

این پژوهش، با اتخاذ روش استدلال منطقی از رویکرد واقع‌گرایانه، از استراتژی پس‌کاوی استفاده می‌کند. استراتژی پژوهش پس کاوی که بر اساس یک منطق چرخشی و یا دورانی به وجود آمده است، با یک نظم مشاهده شده آغاز می شود، اما در پی نوع متفاوتی از تبیین است. به لحاظ روش انجام تحقیق، در این پژوهش، مسیر طی شده جهت رسیدن به مدل مدیریت شهری با بهره گیری از نظریات مطرح شدهٔ اسلامی خواهد بود. در ادامه نیز مدل مدیریت شهری مطرح شده، با توجه به رویکرد نظری تحقیق، مورد آزمون قرار خواهد گرفت و برای این امر، از روش تحلیلی بهره گرفته خواهد شد. پس، روش تحقیق این پژوهش به صورت تلفیقی (استدلال منطقی-تحلیلی) خواهد بود. با توجه به مبانی نظری ساخت‌یابی که مبنای آزمون مدل ارائه‌شده خواهد بود، در انجام پژوهش، بر مبنای این نظریه باید از ویژگی‌ها و امکانات هر دو روش کمی و کیفی بهره جست.

به جهت آزمون مدل مدیریت شهری ارائه شده، نیاز به نظر و عقیده ذی‌نفع‌ها کاملاً محسوس است. اصلی‌ترین و مهم‌ترین ذی‌نفع‌ها که مستقیم و بدون واسطه با مدیریت شهری در ارتباط و تحت تأثیر هستند، مردم و شهروندان محسوب می‌شوند و متخصصان و مدیران شهری در مرحلهٔ بعد قرار می‌گیرند. به‌منظور آزمون مدل ارائه‌شدهٔ مدیریت شهری توسط شهروندان شهر زنجان ابتدا آمار جمعیت ۲۰ سال و بالاتر که در این شهر ساکن هستند، تعیین شد که مطابق آمار سال ۱۳۹۵ جمعیت ۲۰ سال و بالاتر ساکن شهر زنجان ۳۰۷۹۴۹ نفر مشخص شد. برای تعیین حجم نمونه در بخش شهروندان، حجم نمونه بین شهروندان موردمطالعه، ۹۰ نفر تعیین شد که به دلیل نظرخواهی از هر دو جنس زن و مرد، سعی شد تا نمونهٔ آماری به‌طور مساوی بین دو جنسیت تقسیم شود. در بین متخصصان نیز که شامل کلیهٔ افراد متخصص در هفت حوزهٔ محیط زیست، اجتماعی، اقتصاد شهری، حمل‌ونقل، ورزش و سلامت، کیفیت فضایی شهری، عمرانی در حوزه شهر زنجان هستند، در هر بخش، از ۵ نفر بهره گرفته شد که درمجموع ۳۵ نفر به صورت قضاوتی و هدفمند از بین متخصصان انتخاب شدند. در ادامه در بین مدیران شهری نیز به دلیل نامشخص بودن حجم جامعهٔ آماری، از برآورد و تعیین حجم نمونه خودداری شد و ۱۰ نفر به‌صورت قضاوتی و هدفمند از میان آنان انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر، روش جمع‌آوری اطلاعات،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

پیمایشی است و برای جمع آوری اطلاعات از پرسش‌نامه و مصاحبه (در قالب پرسش‌نامه) استفاده خواهد شد. در این روش، در خصوص پاسخ به سؤالات و آزمون فرضیات و مدل مدیریت شهری ارائه‌شده، از روش میدانی استفاده‌شده است. ازاین‌رو، داده‌های موردنیاز این پژوهش با ترکیبی از روش مشاهدهٔ مستقیم جمع آوری شده‌اند. مشاهدهٔ مستقیم با حضور در میدان تحقیق و از طریق تکمیل پرسش‌نامه، انجام مصاحبه‌ها، پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به‌صورت متن و تحلیل آن‌ها انجام می‌شود.

٦. شناخت محدودهٔ موردمطالعه (شهر زنجان)

با توجه به نمونهٔ موردی موردتحقیق که شهر زنجان است، در این بخش به شناخت شهر زنجان پرداخته می‌شود. استان زنجان با وسعتی حدود ٢٢١٦٤ کیلومترمربع از شمال به استان اردبیل، از شمال شرق به استان گیلان، و از شرق به استان قزوین؛ از جنوب به استان همدان، از جنوب غرب به استان کردستان؛ از غرب به استان آذربایجان غربی و از سمت شمال غربی به استان آذربایجان شرقی محدود می‌شود. جمعیت این استان، در شهر زنجان در سال ١٣٩٥ برابر با ١،٠٥٧،٤٦١ نفر بود، که سهم شهر زنجان از این جمعیت، در این سال، ٤٣٣،٤٧٥ نفر گزارش شده است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، همه‌ساله، مبالغ زیادی صرف ادارهٔ امور نظارتی، اجرایی و ارائهٔ خدمات در شهر زنجان می‌شود، با این‌وجود، شاهد آن هستیم که به دلیل موازی‌کاری و سرعت پایین ارائهٔ خدمات توسط سازمان ها و ادارات، رضایت چندانی در شهروندان این شهر مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد با اعمال مدیریت صحیح شهری، می‌توان ضمن جلوگیری از اتلاف هزینه ها، به‌صورت منسجم به ارائهٔ خدمات باکیفیت پرداخت. امروزه، مشکلاتی مانند مناسب و به روز نبودن قانون شهرداری برای ادارهٔ شهر زنجان، مشخص نبودن تعریف و تفکیک وظایف ملی از محلی و تناقضات و عدم هماهنگی موجود در آن، عدم شفافیت و تعیین تکلیف وظایف، حدود اختیارات و مسئولیت‌های بین ارکان ادارهٔ امور ملی و محلی، بزرگ شدن دولت و کم توجهی به رفع مسائل و مشکلات مدیریتی شهرها، افزایش مسائل اجتماعی و عدم شفافیت مسئولیت وظایف مربوط به آن‌ها، سطح پایین مشارکت مردم در ادارهٔ امور شهر زنجان و محله ها، موجب شده تا انگیزه های قوی در تمامی بخش های جامعه به‌منظور رسیدن به راه‌حلی عملی و مؤثر، به وجود آید.

٧. تبیین الگوی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی شهر زنجان

با توجه به مطالب بیان شده در بخش نظری تحقیق و بخش شناخت شهر زنجان، سعی شده است تا الگویی جهت مدیریت شهری در این شهر، ارائه شود که هم با مشارکت اسلامی شهروندان سنخیت داشته باشد و هم با بستر موجود در شهر زنجان سازگار باشد. ساختار مدیریت شهری پیشنهادی شهر زنجان شامل: بدنهٔ تصمیم‌سازی، بدنهٔ تصمیم گیری، بدنهٔ اجرایی و بدنهٔ کنترل و نظارت است. بدنهٔ تصمیم‌سازی شامل نمایندگان مردم و متخصصان شهر است که به شیوه رأی‌گیری توسط مردم انتخاب می‌شوند. بدنهٔ تصمیم گیری شامل کلیهٔ شهروندان و مردم ساکن در آن ناحیه است. بدنهٔ اجرایی نیز دارای مدیری است که توسط متخصصان پیشنهاد و توسط مردم به‌صورت مستقیم انتخاب می شود. مدیر، خود بدنهٔ اجرایی را جهت اجرای مصوبات بدنهٔ تصمیم گیری انتخاب می‌کند. همچنین بدنهٔ کنترل و نظارت شامل معتمدان ناحیه و متخصصان است.

نقش‌ها و وظایف بدنهٔ تصمیم‌سازی

- بررسی و شناخت مشکلات و کمبودها و نیازهای حوزهٔ انتخابیه
- جمع‌بندی و بیان نقطه نظرات شهروندان، دربارهٔ مشکلات ناحیهٔ منتخب و پیشنهادهای مردم
- تصمیم‌سازی مناسب برای شهروندان جهت

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

تصمیم‌گیری
- نظارت بر قراردادهای منعقد شده با بخش خصوصی توسط مدیر محل
- کنترل کیفی و انجام بازرسی های موردی طرح ها و برنامه‌های ناحیه‌ای
- نظارت عالی بر حسن اجرای طرح و برنامه‌ها
- همکاری با مسئولان اجرایی، نهاد و سازمان‌های حکومتی
- اقدام برای تشکیل انجمن ها، نهادهای اجتماعی، NGO ها یا سمن‌ها (سازمان‌های مردم نهاد در ایران)

نقش‌ها و وظایف بدنهٔ تصمیم‌گیری
- تصویب کلیهٔ طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی
- تصمیم گیری نهایی کلیهٔ امور مرتبط با ناحیهٔ سکونت خود
- بیان نقطه نظرات و پیشنهادهای خود در جهت اصلاح امور شهری به بدنهٔ تصمیم‌سازی
- نصب و عزل نمایندگان مردم در بدنهٔ تصمیم‌سازی

نقش‌ها و وظایف بدنهٔ اجرایی
- برنامه‌ریزی عملیاتی در چارچوب برنامهٔ راهبردی مصوب نمایندگان شهروندان
- صدور احکام مسئولان ذی ربط پس از طی تشریفات لازم
- تنظیم پیش‌نویس برنامه‌های سالانه برای طرح در مراجع ذی‌ربط
- عقد قرارداد با واحدهای صلاحیت بخش خصوصی و ... جهت اجرای عملیات ناحیه‌ای
- نظارت بر عملکرد واحدهای اجرایی
- مسئول اجرای کلیهٔ طرح‌ها و برنامه‌ها
- پاسخگویی نسبت به عملکرد واحدهای تحت مدیریت
- ارائهٔ گزارش‌های مربوط به انجام وظایف، به شهروندان و نمایندگان شهروندان

نقش‌ها و وظایف بدنهٔ نظارت و کنترل
- نظارت بر نحوهٔ انتخاب بدنهٔ تصمیم‌سازی، توسط شهروندان
- کنترل و نظارت بر عملکرد بدنهٔ تصمیم‌سازی
- نظارت بر عملکرد اعضای بدنهٔ اجرایی
- نظارت بر نحوه و حسن انجام کار مدیر ناحیه
- استماع گزارش بدنهٔ اجرایی و بدنهٔ تصمیم‌سازی و بررسی صحت و کیفیت آن

۸. آزمون الگوی مدیریت شهری و گزارش یافته‌ها

عمل تجزیه تحلیل داده‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در تحقیقات اجتماعی به‌ویژه در حوزهٔ داده‌های جمع آوری شده از میدان تحقیق، مطرح است، زیرا در این مرحله، داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده توسط جامعهٔ آماری، مورد جمع بندی قرار می‌گیرد و نتایج آن در نتیجه‌گیری و ارزیابی فرضیه‌ها به کار گرفته می‌شود.

نتایج حاصل از مصاحبه های بسته‌پاسخ و داده های کمی نشان می‌دهند که به مشارکت حداکثری شهروندان در مدیریت شهری، نیاز هست. عدم رضایت از میزان مشارکت فعلی افراد نیز در جای خود مشخص بود. یکی دیگر از نکات قابل توجهی که مشخص شد این امر بود که حتی به عقیدهٔ خود شهروندان، خلأ جایگاه متخصصان در مدیریت شهر احساس می‌شود. این نگاه شهروندان به دلیل مشکلات شهری موجود است که معتقد هستند این مشکلات، به دلیل تصمیمات غیرتخصصی اخذشده توسط مدیریت شهری، ایجاد شده است. با توجه به نظرخواهی از جامعهٔ آماری، در رابطه با ارتباط مشکلات شهری با مدیریت شهری مشخص شد که تقریباً به‌طور مشخص و بارز مشکلات شهری موجود، حاصل عملکرد ضعیف مدیریت شهری است. همچنین اکثریت مردم با واگذاری تصمیم‌گیری در ارتباط با اجرای کلیهٔ طرح ها و برنامه های شهری به مردم و شهروندان موافق بودند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد درمجموع، افراد، میزان اجرایی بودن تصمیمات اخذشده را توسط شهروندان نسبتاً قابل‌قبول دانسته‌اند.

نتایج حاصل از ارزیابی، نشان می دهند که مردم و شهروندان بانی و سبب اصلی مشکلات شهری را اشکال در مدیریت شهری می دانند. مدیریت شهری‌ای که نتوانسته است پاسخ مناسبی را برای مسائل شهری بیان کند. شهروندان اعلام می کنند که مدیریت شهری باید مکانیسم هایی را فراهم سازد

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

تا نظرات شهروندان را جمع‌آوری کند.

به دلایل ذکرشده، بدنهٔ تصمیم گیری و بدنهٔ تصمیم‌سازی نیز مورد تأیید و تأکید جامعهٔ آماری پژوهش است. همچنین یکی از مهم ترین بخش های هر سیستم، وجود بخش کنترل و نظارت در آن بخش است. بخشی که شهروندان، متخصصان و مدیران شهری نه تنها با آن موافق هستند، بلکه به وجود این‌چنین بدنه و نهادی تأکید نیز می کنند. شهروندان و متخصصان، با توجه به سوابقی که از مدیریت شهری درگذشته سراغ دارند و احتمال وجود فساد و رانت اطلاعاتی را که در شهر می‌بینند، ضرورت وجود کنترل و نظارت را اثبات می‌کنند.

شهروندان و متخصصان و مدیران شهری معتقد هستند وجود بدنه ای جدا و مستقل از مدیریت شهری که بتواند بر عملکرد مدیریت شهری نظارت کافی داشته باشد، الزامی است. به صورتی که این بدنه، تحت تأثیر مدیریت شهری که دارای قدرت است نباشد و بتواند مستقل عمل کند و گزارش های منظم و کاملی را از عملکرد مدیریت شهری ارائه کند. متخصصان بیان کردند که وجود این‌چنین بدنه‌ای، سبب شفاف‌سازی و افزایش اعتماد شهروندان به مدیریت شهری می شود. مطابق عقیدهٔ شهروندان و متخصصان در انتهای الگوی مدیریت شهری، بدنهٔ کنترل و نظارت پیشگیرانه قرار دارد، پیشگیری از انحرافاتی که اغلب در مدل مدیریت کنونی رخ می‌دهد.

یکی دیگر از بخش هایی که شهروندان، انتظار حضور و اطلاع از آن را دارند، بخش اجرایی مدیریت شهری است. شهروندان و متخصصان اعتقاد دارند که فعالیت‌ها و تصمیم گیری های بخش اجرایی مدیریت شهری باید شفاف باشد. همچنین مطابق دیدگاه شهروندان، بهتر است مسئولان اجرایی در شهر، به ویژه محله، از افراد بومی همان منطقه باشند تا شناخت کافی نسبت به آن منطقه، داشته باشند.

در ادامه و مطابق ارزیابی صورت گرفته پیشنهاد شد تا جایگاهی برای بحث ارزیابی تصمیم‌های اجرایی که در قالب طرح‌ها و برنامه‌هایی اجرایی شده‌اند، در نظر گرفته شود. بخش عمده‌ای از شهروندان و متخصصان عقیده دارند که در حین و پس از اجرای طرح ها و برنامه، نظرات شهروندان در مورد آن برنامه ثبت شود. به نظر شهروندان و متخصصان ممکن است طرح و برنامه ای پس از اجرا یا حتی حین اجرا، دچار مشکلات و مواردی باشد که نیاز به بازبینی آن، احساس شود. ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها در حین و پس از اجرا، باید توسط شهروندان و متخصصان صورت پذیرد و میزان رضایت شهروندان و متخصصان از این طرح ها تعیین شود. درصورتی که شهروندان از طرحی ناراضی باشند و آن طرح قابل اصلاح و تغییر باشد، باید آن را تغییر دهند و اگر طرح قابل‌برگشت و اصلاح، نیست، باید بتوانند در طرح‌های بعدی، از تجربهٔ قبلی استفاده کنند.

با توجه به موارد مطرح شده، بدنهٔ ارزیابی و پایش نیز به چهار بُعد پایه الگوی ارائه‌شده، اضافه شد. در انتها، می‌توان الگوی نهایی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی در شهر زنجان را به‌صورت تصویر شماره ۲ ارائه کرد.

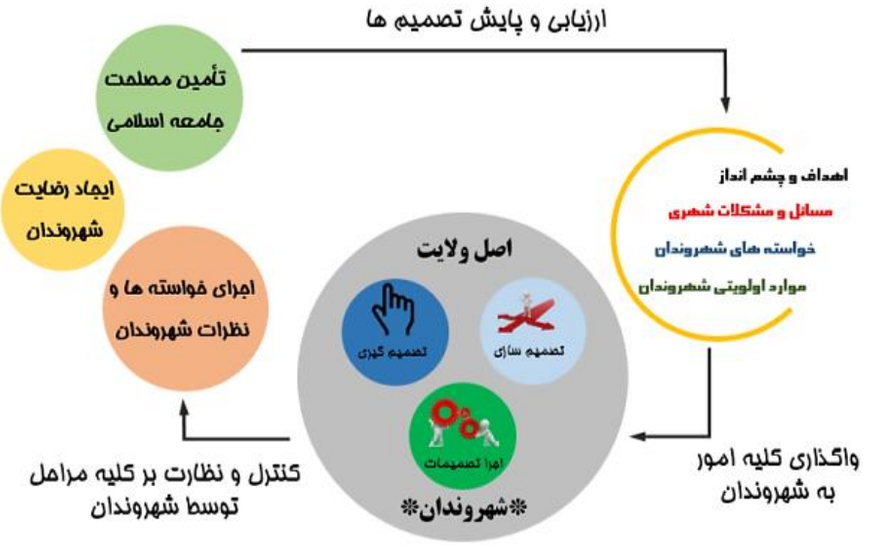
۹. تشریح مدل نهایی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی

مدل نهایی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی که ارائه شد دارای ویژگی‌هایی است که محور اصلی آن مشارکت حداکثری شهروندان در مدیریت شهری بر اساس اصل ولایت علامه طباطبائی است. به‌این‌صورت که در این مدل سعی شده است تا مشارکت شهروندان در همهٔ ابعاد و مراحل مدیریت شهری، به‌صورت حداکثری لحاظ شود. بُعد نخست مدل مشارکت ارائه‌شده، بخش تصمیم‌سازی است. در این بخش، مردم و شهروندان در ارتباط با مدیریت شهری، مسائل و چالش‌های شهر، دغدغه‌های مردم و شهروندان در ارتباط شهر، اولویت‌های توسعهٔ شهر، ارتقای کیفیت شهر و غیره را جمع‌بندی و نکات اصلی و مهم را تعیین کنند.

- **بدنهٔ تصمیم‌سازی**

بخش تصمیم‌سازی مدیریت شهری دارای نقش و اهمیت ویژه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که درست و صحیح عمل کردن در این بخش، تأثیر بسزایی در هدایت سایر ابعاد مدیریت شهری

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]



تصویر ۲: مدل نهایی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی در شهر زنجان
Fig. 2: The Final Model of Participation in Islamic Urban Management in Zanjan

دارد. با توجه به اهمیت این موارد، ساختار بُعد تصمیم‌سازی و مکانیسم اجرایی آن بسیار امر مهمی است. پس، شهروندان باید نقش بسزایی در این مرحله داشته باشند. وجود متخصصان در این بخش نیز امری ضروری است.

- **بدنهٔ تصمیم‌گیری**

همچنین با توجه به چالش‌ها و مسائل موجود در نظام مدیریت شهری در ایران و زنجان، تصمیم‌های اخذشده در راستای حل این مسائل نیز بسیار حائز اهمیت است. با توجه به وجود مسائل جدی و بحران های موجود، تأکید بر چگونگی و نحوهٔ تصمیم گیری‌های نظام مدیریت شهری، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. در همین راستا نیز سعی شده است تا بخش تصمیم‌گیری، یکی از ابعاد اصلی مدل مشارکت در مدیریت شهری اسلامی قرار گیرد و نقش و جایگاه مردم و شهروندان در نظام تصمیم گیری مدیریت شهری ارتقا و بهبود بخشیده شود.

- **بدنهٔ اجرایی**

بدون شک وجود بدنه‌ای که تصمیم‌های اخذشده توسط مردم و شهروندان را اجرا کند، امری ضروری است. در مدل ارائه‌شده نیز به دلیل تحقق‌پذیری تصمیم اخذشده و تفاوت ماهیت اجرایی آن از سایر بخش‌ها، بدنهٔ اجرایی شکل گرفت. با توجه به دیدگاه علامه طباطبائی مبنی بر اجرای امور مرتبط با آسایش و رفاه شهروندان، توسط منتخبین مردم و تأکید شهروندان شهر زنجان بر تأثیرگذاری نظرات شهروندان در افراد و نهادهای اجرایی شهر، مدیر اجرایی که مسئولیت اجرای تصمیمات اخذشده و همچنین مسئولیت پاسخگویی را در حوزهٔ نهادهای اجرایی دارد، باید توسط مردم انتخاب شود.

- **بدنهٔ کنترل و نظارت**

یکی از مهم ترین مشکلات نظام مدیریت شهری حاضر، مسائل موجود در بخش کنترل و نظارت بر عملکرد مدیریت شهری است. با توجه به تأکید علامه طباطبائی و بیان اصل ولایت و ذکر این امر که شهروندان در قبال جامعهٔ خویش فقط دارای حق اظهارنظر و مشارکت نمی‌باشند؛ بلکه در کنار این حق، تکالیف و وظایفی نیز بر عهدهٔ آنان است. به‌عبارتی دیگر شهروندان همانند مفهوم امربه‌معروف و نهی از منکر به طور مداوم و پیوسته نسبت به عملکرد مدیریت شهری مسئولیت کنترل و نظارت را نیز دارند. با توجه به امکان بروز فساد در درون بدنهٔ کنترل و نظارت، انجام اموری همچون ایجاد بانک اطلاعاتی شفاف، حمایت از رسانه های

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

بخش خصوصی و دولتی در بیان اطلاعات لازم، ایجاد اتاق شیشه ای و شفاف به عنوان اتاق جلسات و ...، مشخص و شفاف بودن نظرها و رأی‌های بدنهٔ کنترل و نظارت، رسانه‌ای شدن کلیهٔ اتفاقات و رویدادهای موجود در بدنهٔ کنترل و نظارت و سایر مواردی که از به وجود آمدن فساد در این بخش جلوگیری کنند، کاملاً ضروری است.

- **بدنهٔ ارزیابی و پایش**

همان طور که شهروندان نسبت به امور نظام مدیریت شهری، حقوق و تکالیفی دارند و با شرکت در تصمیم گیری و کنترل و نظارت، این امر را اجرا می‌کنند، جهت افزایش کارایی عملکرد مدیریت شهری نیز، ارزیابی و پایش تصمیم‌ها و اقدامات را انجام خواهند دارد. به همین دلیل وجود بُعد ارزیابی و پایش در الگوی مشارکت در مدیریت شهری اسلامی، امری مثبت و قابل توجه است. بنابراین، بدنهٔ ارزیابی و پایش، پس از ارزیابی تصمیمات اخذشده و اثرات حاصل از اجرای آن‌ها در برهه‌ای از زمان یا به دلیل اثرات مثبت آن در تسریع آن تصمیمات تلاش می‌کند و یا به دلیل افزایش تبعات ناشی از تصمیمات و یا اجرای نامناسب، اقدامات لازم را در جهت اصلاح تصمیمات انجام می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در بررسی‌های تحلیلی نظام مدیریت شهری حال حاضر، مشخص شد که سامانهٔ مدیریت شهری در ایران به صورت پایدار و متعادل نیست. بخش مهمی از این عدم تعادل و پاسخگویی، ناشی از وجود مشکل و چالش در بخش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری است. با توجه تحقیق صورت گرفته، مشخص شد که میزان و کیفیت مشارکت در کشور در سطح نگران کننده ای قرار دارد. موضوع مشارکت مردم و سپردن سرنوشت مردم به خود آن ها، پس از انقلاب اسلامی مورد تأکید و توجه مسئولان نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت، ولی همچنان فقدان مشارکت مناسب شهروندان در مدیریت شهری یکی از معضلات اصلی شهرها و نظام مدیریت شهری کشور است. در فرهنگ اسلام، مشورت و مشارکت جایگاهی بس رفیع دارد. در نظام اسلامی مشارکت مردم، یکی از ارکان بقای آن نظام است و بزرگ‌ترین پشتوانه به‌حساب می آید. در قرآن کریم موضوع شُور و مشورت درآیات متعددی آمده است. مطابق دیدگاه علامه طباطبایی، نه‌تنها شهروندان می‌توانند در مدیریت شهر، نقش داشته باشند، بلکه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت و حکومت امری ضروری است و حکومت و مدیریتی که مردم در آن نقش نداشته باشند را دیکتاتوری می نامند. با عنایت به موارد ذکرشده، می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه علامه طباطبایی، مشارکت شهروندان در مدیریت شهر امری اجتناب‌ناپذیر است و مدیر شهر نمی‌تواند بدون مشورت گرفتن از گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ که اصلی‌ترین آن‌ها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرا کند و حتی خود، بر کار خودش نظارت داشته باشد. علامه طباطبائی اصطلاحی را با عنوان «ولایت» در اینجا به کار می‌برد. ولایتی که تا کوچک‌ترین افراد اجتماع راه دارد. ولایتی که بر اساس آن مؤمنان به خود اجازه می دهند مردم و دیگر شهروندان جامعه را امر به معرف و نهی از منکر کنند. این مطلب، به‌این معنی است که مردم نسبت به جامعه و نسبت به هم، بی‌تفاوت نیستند. با توجه به مطالب گذشته، استنباط می‌شود که مردم و شهروندان در امور جامعه و شهر خویش که در آنجا زندگی می کنند، باید نقش و تأثیر مستقیم داشته باشند. پس هر چه نقش و جایگاه و میزان مشارکت مردم در ادارهٔ امور جامعه و شهرشان بیشتر باشد، نوع نظام حکومتی (مدیریت شهری)، اسلامی‌تر است.

همچنین از دیدگاه علامه طباطبائی، نه تنها شهروندان می‌توانند در مدیریت شهر نقش داشته باشند، بلکه مردم نسبت به مدیریت شهری دارای حق هستند و به‌گونه‌ای وظیفهٔ شرعی و الهی مردم و شهروندان است که در مدیریت شهری نقش داشته باشند. به‌عبارتی‌دیگر اگر مردم به‌صورت

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

مستمر در مدیریت شهری نقش نداشته باشند، وظیفهٔ دینی و شرعی خود را انجام نداده‌اند. درواقع حق و وظیفهٔ مردم به شهر و مدیریت شهری خویش، همانند امربه معروف و نهی از منکر است.

در راستای چیستی الگو و راه حل مطلوب مشارکت در مدیریت شهری (در بعد انتخاب مدل مدیریت شهری) برای شهرهای اسلامی– ایرانی (نمونه موردی شهر زنجان) مشخص شد که مطابق اصل ولایت علامه طباطبایی و نظرات مطرح شده توسط شهروندان، متخصصان و مدیران شهری، ساختار مشارکت در مدیریت شهری اسلامی (شهر زنجان) در پنج بُعد بدنه تصمیم گیری، بدنه تصمیم‌سازی، بدنه اجرایی، بدنه کنترل– نظارت و بدنه ارزیابی و پایش خواهد بود.

فهرست منابع

بهروزلک، غلام‌رضا. ۱۳۸٦. *جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران*. انتشارات سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دوم.

پارکر، جان. ۱۳۸٦. *ساخت‌یابی*. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.

پرهیزکار، اکبر، و علی فیروزبخت. ۱۳۹۰. چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعهٔ پایدار شهری. *فصلنامه جغرافیایی سرزمین* ۸(۳۲): ٤۳–٦۷.

پیربابایی، محمدتقی، و جواد رحمانی. ۱۳۹۵. مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبائی. *نشریه نظریه های اجتماعی متفکران اسلامی* ٦(۲): ۳۱۱–۳۳۱.

ترابی، علیرضا. ۱۳۸۳. مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب. *شهرداری‌ها* ٦(٦۹).

حسنی، سید حمیدرضا، و هادی موسوی. ۱۳۹۱. ساخت و عامل در نظریات اعتباریات علامه طباطبائی و نظریه ساخت‌یابی گیدنز. *دو فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران اسلام* ۲(۲): ۱۲۹–۱۵۹.

سعیدی، عباس. ۱۳۸۸. *مدیریت شهری. دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*. چاپ اول. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

سعیدی رضوانی، نوید. ۱۳۷۳. *بهبود مدیریت شهری. گزارش دبیر اجرایی کمیسیون سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد در نشست نایروبی* ۱۹۳. وزارت کشور.

شجاری، مرتضی. ۱۳۸۸. *انسان‌شناسی در عرفان و حکمت متعالیه*. انتشارات دانشگاه تبریز.

صرافی، مظفر . ۱۳۷۹. *مفهوم و مبانی مدیریت شهری*. فصلنامه مدیریت شهری. سال اول. تابستان.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۱. *مجموعهٔ مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها، به کوشش و مقدمهٔ سید هادی خسروشاهی*. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین. بی‌تا. *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم. منشورات جامعهٔ المدرسین فی‌الحوزهٔ العلمیهٔ فی‌القم المقدسه.

طباطبائی، سید محمدحسین. ۱٤۱۷ق. *المیزان. جلد ۱۷*. انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه. قم. چاپ پنجم.

عباسی، رقیه. ۱۳۸۷. *بررسی فرایند مشارکت شهروندان در ادارهٔ شهرهای ایرانی*. اولین همایش سراسری علمی و دانشجویی جغرافیا. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

علفیان، مسعود. ۱۳۷۸. *مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری*. اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری. تبریز.

فیروزی، رضا. ۱۳۹۳. *انسان در آموزه‌های وحیانی: با سکید بر آیات و روایات (ویژه دانشجویان علوم پزشکی و روان‌شناسی)*. نشر معارف. چاپ اول.

قدیری، لقمان. ۱۳۹۰. *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

گیدنز، آنتونی. ۱۳۸٤. *مسائل محوری در نظریه اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی*. ترجمه محمدرضایی. نشر سعاد.

گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۵. *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. انتشارات نی.

مجتهدی تهرانی. ۱۳۸۷. *کیش پارسایان*. تحقیق و تنظیم: علی‌اکبر رشاد. انتشارات سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

محسنی، رضا علی. ۱۳۸۳. جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان‌شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان. *فصلنامه مدیریت فردا* ۲(۷و۸): ۸۳–۹۰.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]

موسوی، سید علی. ۱۳۷۵. مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی. *مجله نقد و نظر* ۷ و ۹: ۸۶-۱۱۱.
نظریان، اصغر، و محمد رحیمی. ۱۳۹۱. تحلیل الگوی مدیریت شهری تهران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی* ٤٤(۸۱): ۱۱۱-۱۲٦.

منابع انگلیسی

Abbasi. R. 2008. *Investigation of Citizen Participation Process in the Administration of Iranian Cities*. First National Student Scientific Conference on Geography. Sazmane Joghrafiyaii Niroohaye Mosallah Press.Tehran. [In Persian]
Alafian. M. 1999. *New Participation and Perspective on Urban Management*. First Sustainable Urban Development Management Conference. Tabriz. [In CPersian]
Behroozlak, Gh. 2007. *Globalization and Political Islam in Iran*. Sazman Entesharat Pazhooheshghah Farhang va Andishe Eslami Publisher. [In Persian]
Brown, R., and G. Harris. 2005. Co Management of Wildlife Corridors: The Case for Citizen Participation in the Algonquin to Adirondack Proposal. *Journal of Environmental Management* 74: 97-106.
Coznens. P. M. 2002. Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British city. *Cities* 19(2).
Fenster. T. 2005. Identity Issues and Local Governance: Women's Everyday Life in the City. *Social Identities* 11:1. 23-39.
Firoozi. R. 2014. *Man in Revelation Teaching: Emphasizing on Verses and Narratives (Especially for Medical and Psychological Students)*. Ma'arif Publication. First Edition. [In Persian]
Ghadiri. L. 2011. *Investigation of Social Factors Affecting Student Social Participation*. M.Sc. Shiraz University. [in Persian]
Giddens. A. 2005. *Central Issues in Social Theory: Action, Structure and Contradiction in Social Analysis*. Mohammad Rezaei Translation, Saad Publishing. [In Persian]
Giddens. A. 2006. *Sociology*. translation by Manouchehr Sabouri Kashani. Ney Publications. [In Persian]
Harvey. D. 2008. *The Right to the City*. New Left Review 53.
Hasani, S. H. R., and H, Mousavi. 2012. Constructing and Factoring in Credit Theories of Allameh Tabataba'i and Giddens's Constructive Theory, *Do Faslnameh Naziehaye Ejtemaii Motafakkeran Eslam* 2(2): 129-159. [In Persian]
Howell. S Baum. 2015. *Citizen Participation*. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences. 2nd edition. Volume 3
Mohseni. R.A. 2004. Social Aspects of Metropolitan Management with Emphasis on Citizen Participation. *Faslname Modirite Farda* 2(7,8): 83-90. [In Persian]
Mojtahed, T. 2008. *Kish Parsayan*. Research and Regulation: Ali Akbar Rashad. Sazmene Entesharate Pazhoheshghahe Farhang Va Andishe Eslami Publication . [In Persian]
Morgan. T.M. 2003. *Environmental Health*. Wadsworth. Canada.
Mousavi. S. A. 1996. Religious Foundations and Participatory Political Culture. *Majalle Naghd Va Nazar* 7,9: 86-111. [In Persian]
Nazarian, A., and M. Rahimi. 2012. Analysis of Tehran Urban Management Pattern. *Pchooheshhaye Joghrafiyaye Ensani* 44(81): 111-126. [In Persian]
Parhizkar, A., and A. Firoozbakht. 2011. Perspective of Urban Management in Iran with Emphasis on Sustainable Urban Development. *Faslnameh Joghrafiaii Sarzamin* 8(32): 43-67. [In Persian]
Parker, J. 2007. *Constructing*, translated by Hossein Ghazian. Tehran. Ney Publishing. . [In Persian]
Pirbabaei. M. T., and J. Rahmani. 2016. Citizen Participation in Urban Management According to Allameh Tabataba'i's View. Nashriyeh Naziehaye *Ejtemaii Motafakkeran Eslam* 6(2): 311-331. [In Persian]
Revi. B. 2014. *T.H. Marshall and his critics: reappraising 'social citizenship' in the twenty-first century*. Citizenship Studies 18:3-4.
Saeadi. A. 2008. *Urban Management, Encyclopedia of Urban and Rural Management*. First Edition, Sazmane Shahrdariha va Dehyarihaye Keshvar. [in Persian]
Saeadi Razvani. N. 1993. *Improving Urban Management, Report of the Executive Secretary of the United Nations Commission on Human Settlements at the Nairobi Meeting 193*. Vezarate Keshvar. [in Persian]
Sarafi. M. 2000. *Concept and Basics of Urban Management*. Faslnameh Modirite Shahri. Summer. [In Persian]
Shajari. M. 2009. *Anthropology in Mysticism and Transcendent Wisdom*, Daneshghahe Tabriz Press. [In Persian]
Tabatabaii. S. M. H.. No date. *Al-Mizan Fy Tafsi Qur'an. Qom*. Manshoorat jameye almodarisin felhozeye elmiyey felghome elmaghaddasa.
Tabatabaii. S. M. H. 1992. *Collection of Articles and Questions and Answers, with the Try and Introduction by Seyyed Hadi Khosroshahi*. Tehran, Daftare Nashr Farhange Eslami. [In Persian]
Tabatabaii. S. M. H. 1967. *Al-Mizan*. Volume 17. Jameie Modarresin Hoze Elmiyeh. Qom. Fifth Edition. [In Persian]
Torab. A. 2004. Sustainable Urban Management in Good Governance. *Shahrdariha* 6(69). [in Persian]
Turner. B. S. 2009. *Thinking Citizenship Series T.H. Marshall, social rights and English national identity*. Citizenship Studies 13(1).
Veronica G. Caparas and Agrawal. Maria and Anand. 2016. *Why Citizens Participate in Local Governance: A Case of Two Philippine LGUs*. International Journal of Public Administration.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.2]